

وقتی جسد به حرف می آید

آشنایی با پرویم حرفه پزشکی قانونی که خیلی های مان فقط در فیلم و سریال های پلیسی سراغی از آن داریم در گفت و گو با دکتر «ناصر غروبى» که ۲۰ سال رئیس یک سالن تشریح بوده است

آیه تواتا | روزنامه نگار

پرونده

درس پزشکی خوانده اما نه کاری باقرص و آمپول و شربت دار دونه دستور عکس و از مایش و عمل جراحی می دهد. نه دردی را تسکین می دهد و نه نقصی را بر طرف می کند. کارش پیدا کردن علت بیماری نیست، دنبال دلیل مرگ می گردد. یعنی وقتی کار از کار گذشته؟ خب، نه. یعنی وقتی پای «حق» در میان است که بدون تشخیص او، پایمال خواهد شد. درس پزشکی خوانده اما کارش کمک به کشف جرم و جنایت است صحبت از پزشکی قانونی است، شغلی که خیلی های مان فقط در فیلم و سریال های پلیسی سراغی از آن داریم؛ برای همین نه چیزی از دشواری هایش می دانیم و نه از اهمیتش در زندگی روزمره. در پرونده امروز سعی داریم از خلال گفت و گویا دکتر «ناصر غروبى»، شغل پزشکی قانونی را بهتر بشناسیم البته آن بخشی را که مربوط به متوفیات است و به کشف جرم کمک می کند؛ یعنی بخش کوچکی از این حرفه که حدود ۵ درصد از خدمات ساز مان پزشکی قانونی است - بخش عمده خدمات پزشکی قانونی در بخش های معاینات بالینی، از مایشگاه و کمیسیون ارائه می شود- اما نقشی بسیار تعیین کننده در جامعه دار دونه دلیل ارتباط کم بیشتر اعضای جامعه با آن، اطلاعات کاملی در باره اش وجود ندارد.



عکس ها میزان

کار ما با هر قتل یا فوت مشکوک شروع می شود

دکتر غروبى، دانش آموخته دکترای حرفه ای پزشکی، ۲۰ سال در سمت رئیس سالن تشریح استان خراسان رضوی خدمت کرده و حالا شش سالی است که ریاست واحد بازرسی استان خراسان رضوی را بر عهده دارد. قرار گفت و گو در دفتر ایشان در اداره کل پزشکی قانونی تعیین می شود، به دلیل شرایط حرفه ای اجازه عکاسی از بخش های مختلف پزشکی قانونی را نداریم. آن چه می خوانید، ماحصل دو ساعت گفت و گو در یک روز بارانی است: «کار ما از لحظه ای شروع می شود که قتل یا فوت مشکوکی از سوی نیروی انتظامی به مقام قضایی اعلام

و کالبدشکافی به سالن تشریح پزشکی قانونی منتقل می شود. اگر این اقدامات به جواب برسد، نتیجه را بلافاصله کتبی به مقام قضایی اعلام می کنیم در غیر این صورت تا رسیدن پاسخ از مایش های سم شناسی، آسیب شناسی و سرولوژی صبر می کنیم. پس از آن «کمیته علت فوت» متشکل از پزشکان رشته های مختلف، متخصص پزشکی قانونی، داروساز، متخصص پاتولوژی، جراح و... برگزای می شود و بعد از به پاسخ رسیدن کمیسیون، نتیجه را اعلام می کنیم».



قاتل همیشه نشانی به جا می گذارد

خب همیشه قضیه به این سادگی نیست. دکتر غروبى ماجرای را تعریف می کند که بی شباهت به پرونده های سینمایی نیست: «یک بار مردی به ما اعلام شد از جسدی که داخل یک چاه پیدا شده بود. ظاهر جسد کاملاً سوخته بود اما خبری از واکنش های حیاتی پستی نبود پس به این نتیجه رسیدیم که فرد سوزانده شده است. سوختگی در فرد زنده، تاول هایی روی پوست و تغییراتی در بافت زیر پوست ایجاد می کند و التهاب پوستی را با چشم می شود دید. وقتی چنین واکنش هایی در پوست وجود نداشته باشد، یعنی فرد زنده نبوده است. از سوی دیگر بعد از کالبدشکافی جسد، در راه های هوایی و خوش آثار منواکسید کربن مشاهده نشد که این هم نشانه ای بودال در سوزانده شدن جسد بعد از مرگ. در کالبدشکافی سر از روی شکستگی و لخته های خون، متوجه شدیم که با شیتی به سر جسد ضربه زده شده است پس یعنی او را به قتل رسانده اند». امکان دارد جانیانی آن قدر دقیق و پیچیده انجام شود که نشود از رازش پرده برداشت؟ دکتر غروبى توضیح می دهد: «هر نوع مسمومیت و اعمال خشونت آمیز منجر به فوت، به سادگی قابل تشخیص اند. اتفاقاً این ها اجساد ساده در پزشکی قانونی هستند اما به این معنی نیست که پیدا کردن قاتل هم به این سادگی باشد. این در واقع به بخش قضایی کار مربوط می شود که ما دخالتی در آن نداریم و صرفاً همه آن چه را که مربوط به جسد است، اعلام می کنیم». اگر بررسی جسد در جنایات ها بخش آسان ماجراست، پس قسمت سختش چه می تواند باشد؟ «برای مثال فردی بر اثر یک بیماری به پزشک مراجعه می کند و عمل جراحی رویش انجام می شود. در این عمل ممکن است اشتباهاتی به وقوع بپیوندد و بعد از آن تعداد دیگری عمل جراحی در راستای اصلاح آن اشتباه انجام شود و فرد در نهایت فوت کند. تفکیک بین این صدمات و تشخیص آن که قصور در کدام یک از عمل ها راه داشته، به ویژه با توجه به این که فرد زنده بوده و در طول زمان دارو مصرف کرده است، کار احتی برای علم پزشکی نیست. یا برای مثال در یک حادثه رانندگی یا مثلاً سقوط هوایما، خانواده ای فوت می کنند. در این خصوص پیدا کردن زمان دقیق فوت اعضای خانواده برای ما بسیار مهم است؛ اگر پدر خانواده و دختر را دنیا رفته باشد، تمام ارثیه به خانواده همسر می رسد و اگر اعلام کنیم که مادر خانواده پیش از او فوت کرده است، قضیه اثر بری به کلی متفاوت می شود. در چنین مواردی با کالبدشکافی دقیق و بررسی های میکروسکوپی، زمان فوت را اعلام می کنیم».



گره گشایی از راز های جنایت آغاز می شود

تخمین زمان و علت فوت در صحنه جنایت، از آن چیز هایی است که معمولاً در سینما و تلویزیون شبیه یک راز یا تر فند شعبده بازانه نمایش داده می شود؛ یک کار شناس خبره، سر صحنه حاضر می شود و اطلاعات گره گشایی را در اختیار مأموران قرار می دهد که پرده از جنایت برمی دارد. آیا واقعیت همین قدر راز آلود است؟ اما یک سری فرم استاندارد سازمانی داریم که گزارش صحنه را بر اساس آن ها تنظیم می کنیم. در معاینه ظاهری، پوشاک و پوست از نظر هر گونه آثار ضرب و جرح، گلوله، جراحات، کبودی، محل، شکل و زمان حدوث این صدمات و محل وقوع حادثه بررسی می شود. همه این جزئیات به ما در پیدا کردن زمان و علت مرگ کمک می کنند. برای مثال بر اساس دمای جسد و دمای محیط و با در نظر گرفتن فرمول هایی دقیق، می توانیم زمان گذشته از فوت را تخمین بزنیم. اگر بخواهم این موضوع را خیلی ساده و خلاصه توضیح بدهم، می توانم این طور بگویم که در فصل زمستان، جسد در هر ساعت یک درجه سرد می شود. با توجه به این که دمای بدن در زمان حیات ۳۷ درجه است، اگر دمای جسد ۲۷ درجه باشد، می توانیم حدس بزنیم که ۱۰ ساعت از زمان مرگ گذشته است. نحوه محاسبه در فصل تابستان متفاوت است. اصولاً بدن انسان بعد از فوت شروع می کند به رسیدن به دمای محیط. پس اگر جسد در یک روز بسیار گرم بر ای مثال در بیابانی افتاده باشد، توقع داریم که به جای سرد شدن، دمایش به تدریج بیشتر شود. سرعت به دمای محیط رسیدن به فصل بستگی دارد؛ در تابستان، سرد شدن جسد داخل فضای سر بسته سرعت کمتری از زمستان دارد. «جمود نعشی»، فرایندی که طی آن عضلات بدن به ترتیب های خاصی شروع به سفت شدن می کنند، معیار دیگری است که بر اساس آن زمان گذشته از فوت را تخمین می زنیم. شواهد ظاهری، در باره علت فوت هم اطلاعاتی به ما می دهند. مثلاً از روی رنگ کبودی نعشی که بعد از مرگ در سطوح تحتانی بدن رخ می دهد، می توانیم به تشخیص بر سیم؛ رنگ قرمز روشن در کبودی نعشی، می تواند به دلایل سرما زدگی، مسمومیت با گاز منواکسید کربن یا سیانور باشد. وقتی سایر نشانه های محیطی با این علامت همراه می شوند، به ما در تخمین علت مرگ کمک می کنند. پس در صحنه ای که بخاری دود کش ندارد و کبودی نعشی جسد به رنگ صورتی است، اولین علتی که در نظر می گیریم، مسمومیت با منواکسید کربن است البته بعداً برای تأیید قطعی از جسد آزمایش خون می گیریم».



هیچ وقت برای کشف حقیقت دیر نیست

بالا تر دکتر غروبى توضیح داد که در قتل ها و مرگ های مشکوک جنایی، رد پای جنایت را به راحتی می شود پیدا کرد اما معنی اش آن نیست که در پزشکی قانونی، هیچ سوال بی جوابی وجود ندارد: «در کل پرونده های موجود بین یک تا ۳ درصد از موارد به رغم کالبدشکافی و انجام آزمایش های کامل، علت فوت پیدا نمی شود که به این وضعیت «اتوپسی» کالبدشکافی سفید» گفته می شود. نکته مثبت در باره اتوپسی سفید آن است که مطمئن هستیم علت مرگ در آن، بر اثر جنایت نیست چون نشانه های مسمومیت، ضرب و جرح و هر نوع رفتار خشونت آمیز دیگری را بررسی می کنیم. علت فوت در این موارد احتمالاً بیماری های خاص شناخته نشده ای در قلب یا مغز است که آثاری به جا نمی گذارند». پس با تقریب خوبی می توان گفت پزشکی قانونی در راه کشف حقیقت قدم های مطمئنی بر می دارد، حتی اگر سال های زیادی از مرگی گذشته باشد: «فرض کنید فردی در بیمارستان فوت کرده و چون علت مرگش سکنه اعلام می شود، از مایش سم شناسی روی او انجام نمی شود. بعد از چند سال مدارک و شواهدی پیدا می شود که به فرد در گذشته ستم داده اند. قاضی دستور

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دو شنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱

۲۳ رهمان ۱۴۴۲ ۲۵ آوریل ۲۰۲۲

شماره ۲۰۹۲۲

۲۱۴۲

هنر پرونده

تکرار عصر یخ بندان برای پنگوئن ها؟

به مناسبت روز جهانی پنگوئن ها از سر نوشت این جانداران با مزه دوست داشتنی به خاطر گرمایش زمین گفتیم

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پنگوئن ها این پرند ه های بدون بال اما با مزه یک روز جهانی در تقویم دارند و امروز ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) همان روز است. پنگوئن ها در این روز به صورت گروهی به قطب شمال مهاجرت می کنند. انتخاب پنگوئن ها زندگی در سرماست و به همین دلیل بیشتر آن ها در قطب زندگی می کنند. آن ها از نظر ما پرندگان هستند که به جای بال، باله دارند، نمی توانند پرواز کنند، خوب شنا می کنند، در ماهیگیری صیادهای قایلی هستند و روی پای خود می ایستند و راه می روند. در چند سال گذشته پدیده گرمایش زمین و تغییرات آب و هوایی آثاری منفی بر زندگی پنگوئن ها داشته است و گفته می شود ادامه این روند ممکن است به قیمت جان همه پنگوئن ها تمام شود و انسان ها در عصر خود شاهد یک انقراض دراماتیک باشند. در مینی پرونده امروز زندگی سلام از سر نوشت پنگوئن ها بعد از گرمایش زمین خواهیم گفت.

گرم شدن زمین و حکم مرگ پنگوئن ها

قدیمی ترین پنگوئن شناخته شده در دنیا متعلق به یک فسیل ۶۰ میلیون ساله است که ۲۲ سال پیش در قطب جنوب کشف شد. پنگوئن ها اهل زندگی گروهی اند. می توانند ماه ها روی یخ بایستند و دمای منفی ۵۹ درجه را تحمل کنند. می توان گفت زندگی آن ها به یخ و سرمای شدید وابسته است. در چند سال گذشته گرم شدن زمین و سرعت گرفتن روند ذوب یخچال ها و یخ های قطب جنوب باعث تغییراتی در زندگی پنگوئن ها شده که برای این جانداران به خصوص جوجه پنگوئن ها حکم مرگ را دارد. به طور مثال، افزایش گرما در منطقه زندگی پنگوئن ها باعث افزایش بارش باران می شود که در اثر آن پرها ی جوجه پنگوئن ها خیس می شود. با وزش بادهای قطبی این جوجه ها که هنوز بدن شان در برابر سرما و آب مقاوم نشده، جان خود را از دست می دهند و به این ترتیب پروژه پنگوئن ها با شکست مواجه می شود.

نابودی ۷۵ درصد پنگوئن ها در ۲۰ سال گذشته

بر اساس آخرین آمار سال ۲۰۱۸ کمتر از ۱۲ میلیون پنگوئن در قطب جنوب زندگی می کنند. تا به حال بیش از ۲۰ گونه پنگوئن در جهان شناخته شده که دو گونه چتهم از سرده پنگوئن های کاکل دار و وایتا ه منقرض شده اند و تلخ است که بدانید در ۲۰ سال گذشته، ۷۵ درصد جمعیت گونه های مختلف پنگوئن از بین رفته است. پنگوئن های آدلی که در سواحل قطب جنوب زندگی می کنند، یکی دیگر از این گونه های در حال انقراض هستند. آدلی ها یکی از کوچک ترین و رایج ترین گونه پنگوئن های موجود در جهان هستند که در گذشته گرم شدن زمین به نفع شان بود اما اکنون مناطق زندگی آن ها تحت تأثیر گرمای بیش از حد زمین قرار گرفته است که اجازه نمی دهد جوجه ها زنده از تخم بیرون بیایند. بر اساس تحقیقات، جمعیت این نوع پنگوئن ها تا پایان این قرن میلادی ممکن است به میزان ۶۰ درصد کاهش پیدا کند و این رقم یک تهدید جدی برای بقای پنگوئن ها در جهان است زیرا پنگوئن ها اصولاً اهل چند همسری نیستند و امید به زندگی در پنگوئن ها تنها بین ۱۵ تا ۲۰ سال است.

چوب لای چرخ گرمایش زمین بگذاریم!

افزایش مصرف سوخت های فسیلی و گاز های گلخانه ای از اصلی ترین عوامل تغییر آب و هوا - بروز پدیده گرمایش زمین است. بیشتر فعالیت های روزانه انسان مانند بازی با رایانه، اتو کشیدن لباس ها، تماشای تلویزیون، استفاده از مایکروویو و... به برق و سوخت نیاز دارد. می دانیم که تولید این انرژی ها به سوخت فسیلی نیاز دارد و این یعنی همه انسان ها در داغ کردن تنور گرمایش زمین سهم زیادی دارند. استفاده بیشتر از انرژی های تجدید پذیر مانند باد یا خورشید، دقت در انتخاب لوازم برقی که بر چسب انرژی مناسبی دارند، جایگزین کردن لامپ های معمولی با لامپ های کم مصرف، استفاده بهینه از انرژی، صرفه جویی در مصرف آب و تولید زباله کمتر از جمله مواردی است که رعایت آن ها می تواند روند گرمایش زمین را کندتر کند و سهم مثبت انسان ها در نجات جان پنگوئن ها باشد. برای نوشتن این مطلب از «شمال جنوب و رفیک» کمک گرفته شده است.



این پرونده به کودکان، نوجوانان، سالمندان، افراد مبتلا به بیماری های قلبی و رولن شناختی و کسانی که حساسیت بالایی دارند، توصیه نمی شود.